



# غدير و امتداد هویتی آن

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین قیس الطائی

غدير يك هویت مستقل و ماهیت استقلالی دارد؛ اما این هویت و ماهیت مستقل غدير، دارای جهات انضمامی است؛ مثلاً رسول‌خداﷺ در جایی از ماجرای غدير از مردم اقرار می‌گیرند که طبق قرآن، من اولویت نفسانی نسبت به شما دارم و تبعاً این اولویت در ولایت تجلی دارد و وقتی امام علی علیه السلام مولاى هرکسى بود که رسول خداﷺ بر او مولاست و بر وی ولایت دارد، اولویت نفسانی علوی نسبت به امت نیز ثابت می‌شود. وقتی به قرآن می‌نگریم، می‌بینیم طاعت نبوی و افرادی که اولوالاامر خوانده شده‌اند، قرین طاعت الهی است؛ لذا توحید بدون رسالت معنا ندارد و اصل سومى که بدون آن دو اصل توحید و رسالت هم مخدوش می‌گردد، اصل ولایت‌عالیه علویه است. حجت‌الاسلام والمسلمین قیس الطائی از اساتید حوزه علمیه قم، در گفت‌وگویی به سؤالاتی در زمینه غدير پاسخ گفته‌اند که حاصل آن در ادامه می‌آید.

**ه باسلام و سپاس از وقتی که در اختیار ما گذاشتید. سؤال اول را این‌گونه شروع می‌کنیم: بفرمایید که واقعه غدير در منابع اهل سنت چگونه انعکاسی داشته است؟**

● بنده هم عرض سلام متقابل و تبریک ایام مبارک ذی‌الحجه به‌ویژه عيد غدیرخـم را دارم. در آداب مناظره گفته می‌شود، استناد به مطالب مقبول‌الطرفین که مرضی همه دو یا چند طرف جبهه بحث است، باعث سرعت توافق و رسیدن به حق می‌شود؛ مگر اینکه طرف شکست‌خورده‌ای که حق برایش روشن شده است، بر اساس عناد یا حسادت یا شقاوت یا حب جاه و مال، نخواهد به حق اقرار نماید.

در علم کلام شیعه به‌ویژه مباحث مربوط به مذاهب اسلامی و در راس آنها مبحث امامت، آنجا که به بحث‌های نقلی مربوط می‌شود یا جاهایی که استدلال عقلی در یکی از مقدماتش محتاج اثبات نقلی یک مطلب است، شیعه همواره این مزیت را داشته و دارد که حقانیت خویش را در منابع اهل سنت نیز مشاهده می‌کند.

یعنی در حین استدلال در معرکه مناظره، بدون اینکه به چماق و دروغ و مغالطه تمسک کند، از منابع عامه بر حقانیت خویش دلیل می‌آورد. واقعه غديرخـم نیز، گاهی مبسوطاً و گاهی اجمالاً در هزاران منبع از منابع عامه و اهل تسنن آمده است و فهرست نویسندگان و علما و محدثین و مورخینی که به واقعه اقرار نموده و با زبان و قلم خویش بدان اعتراف کرده‌اند، به قول معروف از حد احصا افزون است و ردیف نمودن فهرست این افراد و آثارشان، محتاج زمان و مکانی ورای یک گفتگوی نیم‌ساعته و یک‌ساعته است.

در کتبی که علمای ما در این زمینه نوشته‌اند، فهرست بسیاری از این آثار آمده است که نشان می‌دهد، منابع اهل سنت در همه ادوار تاریخ، به این واقعه معترف بوده‌اند؛ البته در طی نیم‌قرن اخیر به این سو، رسم نادرستی که مخالف روح حقیقت‌طلبی است در میان عامه اهل سنت به‌ویژه وهابیان رواج یافته و آن، تحریف و تقطیع منابع دست اولشان در چاپ‌های جدید است؛ یعنی مستندات شیعه برای اثبات حقانیت خود از کتب اهل سنت، توسط اهل سنت حذف شده و لذا در چاپ‌های جدید بسیاری از منابع قدیمی، کلاً یا جزئاً فاقد همان استنادات است. از این رو برای اینکه علمای ما متهم به دروغ‌گویی نشوند، لازم است که چاپ‌های جدید کتب حدیث، تاریخ، تفسیر و کلام اهل سنت، با احتیاط مورد استناد قرار گیرد و به نسخه‌های قدیمی که در مصر، هند، سوریه و... چاپ شده، رجوع شود.

**ه با وجود تقطیع فراوان واقعه غدير در منابع غیرشیعی، آیا اصل مسئله ولایت امام علی علیه السلام که در غدير مطرح شده، مورد قبول آنان است؟**

● بله! به‌رغم اینکه بسیاری از محدثان عمداً اقدام به عدم نقل واقعه غدير نموده‌اند؛ ولی بررسی منابع و کتاب‌های اهل سنت کاملاً نشان می‌دهد، حدیث غدير متواتر است؛ یعنی حتی بسیاری از افرادی که بخش‌های بسیاری از واقعه غدير را نقل نکرده و تقطیع کرده‌اند، اصل حدیث غدير در فقره «من کنْتُ مولاَ فعلى مولاَ»، دارای تواتر لفظی است.

علاوه امینی علیه السلام در کتاب شریف «الغدير»، از ۳ جهت به بحث واقعه غدير می‌پردازد. جهت اول، قرآن کریم است. دومین جهت، حیثیت حدیثی واقعه غدير است و جهت سوم، غدير در شعر شاعران عرب‌سرا در طی قرون متمادی. ایشان نشان می‌دهد، حدیث غدير دارای تواتر است و اگر کسی متواتر بودنش را نپذیرد، در واقع مکابره و لجajt ورزیده است؛ البته تعداد روایت حدیث غدير، منحصر در این افرادی که علامه آورده، نیست و چون دسته‌ای از منابع

در زمان علامه هنوز چاپ نشده بود، می‌توان مستندات افزون‌تری را هم اکنون یافت. دیگر اینکه به‌سبب تدوین مجامع حدیثی در میان فریقین، در ادوار متأخر، بحث نقل حدیث اهمیت سابق را ندارد.

لذا همان چندقرن نخست که تواتر حدیث ثابت شد، نیازی به ادوار بعد هم نیست. مقصود اینکه واقعه غدير و حدیث غدير، مورد اتفاق و قبول اهل سنت هم هست و نتوانسته و نمی‌توانند، تواترش را رد کنند. اگر یک وقت متعصبی چون ابن‌روزیهان از روی عناد و لجajt، مدعی عدم تواتر می‌شود، سخنش نزد متخصصان بی‌ارزش قلمداد شده است؛ البته با وجود پذیرش تواتر حدیث غدير توسط عامه، اینکه چرا به‌تبع پذیرش، اقدام به اعتراف به حقانیت مذهب ما نمی‌کنند، بحث دیگری است.

خلاصه اینکه حدیث غدير مورد قبول اهل سنت است و این سخن، از علامه امینی علیه السلام معروف است که گریه می‌کرد و می‌گفت: مظلومیت امام علی علیه السلام بی‌اندازه است؛ زیرا امثال من امینی، در قامت یک روحانی دینی وظیفه داریم، معارف علوی را برای اصلاح بشریت بشناسیم و بشناسانیم. نه اینکه در اصل قضیه خلیفه و وصی بلافضل بودن حضرت علی علیه السلام بحث کنیم و می‌گفت: من در قیامت با علمای عامه احتجاج می‌کنم که چرا در این امر روشن و بدیهی تشکیک کردند تا امثال من، مجبور به صرف وقت در زمینه اثبات این امر شوم. در نتیجه جوامع غیرشیعه و بلکه بشریت، از معارف والّی علوی و اهل بیت علیه السلام بی‌بهره بمانند.

**ه محققان شیعه درباره غديرخـم به‌عنوان برترین فضیلت امام علی علیه السلام چه فعالیت‌هایی انجام داده‌اند؟**

● قبل از اینکه به جواب سؤال شما بپردازم، اجازه بدهید درباره برترین فضیلت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام حدیثی را نقل کنم: حضرت امام علی علیه السلام دارای فضایل بی‌حد و حصری است و این سخن از خلیل‌بن احمد فراهیدی مشهور است که «با اینکه دوستان امام علی علیه السلام از روی تقيه و خوف و ترس و دشمنانش از روی حسادت و عناد، فضایل او را مخفی کردند؛ ولی فضایل و مناقب علوی، دنیا را در بر گرفته است.»

مثلاً یکی از فضایل امام علی علیه السلام که برتر از فضیلت غدير است، واقعه مباحه است که به‌نص قرآن کریم، خداوند متعال امام علی علیه السلام را نفس و جان پیامبر احمد که اشرف مخلوقات استف خوانده است. یا اینکه امام علی علیه السلام همواره مطیع و تابع پیامبراکرم علیه السلام بوده و این فضیلت را به این کیفیت هیچ‌یک از اصحاب نداشته‌اند. یا اینکه حضرت در لیلۃ‌المبیت از فدا نمودن جان مبارک خویش برای رسول‌خداﷺ دریغی نداشت. یا اینکه در مبارزه با عمروبن عبدود، رسول خدا حضرت علی علیه السلام را تمام ایمان خوانده و ضربت امام علی علیه السلام را برتر از عبادت جن و انس تا قیامت دانسته‌اند.

فضایل علوی فراوان است و چون در سؤال شما تعبیر «برترین فضیلت» رفت، لازم دیدم بگویم، طبق احادیث، برترین فضیلت امام علی علیه السلام غدير نیست؛ بلکه آنجایی است که خداوند خودش و امام علی علیه السلام را شاهد بر نبوت نبی اکرم علیه السلام می‌گیرد؛ چنانکه در سوره رعد می‌فرماید: «و يقول الذين كفروا لست برسلاً قل كفى بالله شهيداً بيني وبينكم و من عنده علم الكتاب»

البته اینکه غدير برترین فضیلت امام علی علیه السلام نیست، به‌معنای کاستن از ارزش غدير نخواهد بود. غديرخـم یک هویت مستقل انضمامی دارد. هویت مستقلش از این روست که غدير، غدير است و نظیری برایش نیست. چنانکه آن اندیشمند، وقتی درباره حضرت زهراى اطهر علیه السلام سخن می‌گوید، در انتها نتیجه می‌گیرد که «فاطمه، فاطمه است.» در اینجا هم باید گفت: «غدير، غدير است.» غدير یک هویت مستقل و ماهیت استقلالی دارد. غدير برترین



**غدير، علوی‌الحدوث و مهدوی‌الخاتمه است**  
**یا به‌تعبیر دیگر علوی‌التسمیه و مهدوی‌المعناس.**  
**اشتباهی که برخی محققان غرب و شرق، از جمله اتان کلبرگ، مرتکب شده‌اند، این است که می‌گویند:**

**تکونین مذهب شیعه دوازده امامی به‌صدر اسلام برغی‌گردد.**

**حال آنکه علاوه بر وجود شیعیان علوی در زمان رسول خداﷺ که بقیه مذاهب فاقد این مزیت‌اند و بعدها ساخته شده‌اند ما شاهد این هستیم که این تشیع علوی صدر اسلام از نوع دوازده امامی بوده است و رسول خداﷺ بارها به اسامی دوازده امام اشاره داشته‌اند.**

**که یکی از آن موارد، در ماجرای غديرخـم بوده است. لذا ولایت ائمه اهل بیت علیه السلام یک امتداد ابدی دارد و ما وظیفه داریم که هویت اسلام شیعی را در مراسمی چون غدير که هویت ماست نه فقط با عنوان عید ولایت علوی که با عنوان عید ولایت اهل بیت علیه السلام گرامی بداریم. امتداد بخشیدن به این واقعه را که به‌عنوان اكمال دين و اقام نعمت بوده، باید اصلی‌ترین وظیفه شیعیان بدانیم و این سخنی برگرفته از مبانی دینی و مذهبی ماست.**

فضیلت امام علی علیه السلام نیست؛ چون بحث استخلاف مطرح است و این بحث قبل از زمان واقعه غديرخـم هم بارها مطرح شده است؛ ولی نفس پیامبرﷺ بودن، یا هم‌قرین ذات مقدس خداوند به‌عنوان شاهد بر رسالت بودن، فضیلت‌هایی برتر از استخلاف و وصایت است. اما همین هویت و ماهیت مستقل غدير، دارای جهات انضمامی است؛ مثلاً رسول‌خداﷺ در جایی از ماجرای غدير از مردم اقرار می‌گیرند که طبق قرآن، من اولویت نفسانی نسبت به شما دارم و تبعاً این اولویت در ولایت تجلی دارد و وقتی امام علی علیه السلام مولاى هرکسى بود که رسول خداﷺ بر او مولاست و بر وی ولایت دارد، اولویت نفسانی علوی نسبت به امت نیز، ثابت می‌شود. وقتی به قرآن می‌نگریم، می‌بینیم طاعت نبوی و افرادی که اولوالاامر خوانده شده‌اند، قرین طاعت الهی است؛ لذا توحید بدون رسالت معنا ندارد و اصل سومى که بدون آن دو اصل

توحید و رسالت هم مخدوش می‌گردد، اصل ولایت‌عالیه علویه است.

از این رو در دعای دوران غیبت(دعای اللهم عرفنی نفسک) بعد از درخواست شناخت توحید و رسالت، می‌خوانیم که خداوند! ولی‌ات را به من بشناسان که اگر این‌طور نباشد، من گمراه گشته‌ام؛ لذا آن ادیب ولایی درست سروده که این‌گونه درّ سفته و خوش گفته: «اصل اصل دین مولا علی علیه السلام است.» ولایت در امتداد رسالت و توحید است. اگر ولایت پذیرفته نشود، دو اصل سابق هم مقبول نخواهد شد.

در همان غديرخـم وقتی آیه نازل شد که اگر ولایت علی علیه السلام را ابلاغ نکنی، گویا رسالت نیز ابلاغ نشده، اشاره به همین واقعیت تئیدگی توحید و رسالت با ولایت امام علی علیه السلام و اولاد ایشان است. خداوند صراحتاً فرموده است: «و ان لم تفعل فما بلغت رسالته» و این برهانی محکم بر ادعای مذکور است. پس غدير اگرچه با هویت مستقلش برترین فضیلت امام علی علیه السلام نیست؛ ولی با هویت‌های انضمامی‌اش مثل هویت اولویت نفسانی علوی نسبت به امت یا هویت مشروط بودن صحت رسالت به ابلاغ ولایت، یک اقیانوس از معارف و مناقب خواهد بود. پیرو سؤال شما محققان شیعه در طول تاریخ، همواره جرعه‌نوش اقیانوس غدير بوده‌اند و آثار فراوانی در این زمینه پدید آورده‌اند که به کتاب علامه امینی علیه السلام نیز اشاره‌ای داشتیم. چنانکه «الامامة الکبری» مرحوم آقامیر قزوینی یا «احقاق‌الحق» قاضی نورالله شوشتری هم در همین راستا یعنی ناظر به «هویت استقلالی انضمامی غدير» نوشته شده‌اند.

**ه در باره برخی از کتاب‌هایی که به واقعه غديرخـم می‌پردازند، توضیح بفرمایید.**

● مفصل‌ترین و چه‌بسا مهم‌ترین کتاب کلامی شیعه در راستای ولایت علوی، کتاب عقبات‌الانوار علامه میر حامدحسین هندی است که به زبان فارسی می‌باشد و اگر همه‌اش یک جا چاپ شود، شاید بالغ بر ۸۰-۷۰ جلد بشود. تلخیص عربی این کتاب چاپ شده است و برخی علما مانند محدث قمی، بخش غدير این دایرة‌المعارف کلامی را نیز تلخیص نموده است. همچنین در لایالی بسیاری از کتاب‌های کلامی فارسی، بحث از واقعه غدير و کیفیت استدلال به حدیث غدير و واقعه غدير برای اثبات خلافت بلافضل و وصایت الهیه علویه آمده است. **ه غدير در آینه شعر، انعکاسی پورنگ داشته است. در این زمینه مطالبی را برای ما بیان نمایید.**

● غديریه‌سرایان، همواره در طول تاریخ بوده‌اند. علامه امینی علیه السلام حجم فراوانی از کتاب‌الغدير را به غديریه‌سرایان اختصاص داده است و چندین مجلد از الغدير نیز که هنوز طبع نشده، احوال تعدادی از غديریه‌سرایان چند قرن اخیر را در بر دارد. شعر، رسانه شیعه بوده است و از این رسانه، برای بیان هویت مذهبی خویش و بنیان‌های دینی و مذهبی خود و نمادهای بارز مثل غدير استفاده می‌کرده‌اند؛ ولی شعر عربی با شعر فارسی، از حیث کمیت قابل مقایسه نیست؛ چون میزان دیوان‌های اشعار عربی در طول تاریخ ده‌ها برابر دیوان‌های شعرای فارسی‌زبان است. عرب بیشتر به شعر گفتن اهمیت می‌داده و شعر را بیشتر حفظ و نگهداری می‌کرده است. از این جهت میزان از دست رفتن اشعار فارسی بیشتر بوده است. پس اگر می‌بینیم که مثلاً تا قبل از قرون اخیر که عنایت به شعر در ممالک فارسی بیشتر شده، کمتر اثری از ذکر و یادکرد غدير در اشعار فارسی است، یک دلیلش از دست رفتن حجم غالب اشعار و دواوین شاعران است؛ ولی با این احوال، در تمام طول تاریخ شعر عربی و فارسی، یاد و نام غدير در شعر شاعران زنده و سبز بوده است. از این‌حجaj مهیار دیلمی و صفی‌الدین حلی گرفته تا هالاحسن کاشی و شیخ‌کاظم ازری و سیدحیدر حلی و ملامهرعلی خویی و دیگر شاعران.

**ه پرسشی که اینجا مطرح می‌شود، این است که با این انعکاس گسترده واقعه غدير در منابع عامه و نگارش کتاب‌های فراوان و انعکاس قوی در شعر، چرا غیرشیعیان به حقانیت ولایت علوی اقرار نمی‌کنند؟**

● این پرسش خیلی بنیادین و مهم است و پاسخش هم نیاز به بحث‌های دینی و روان‌شناسی و حتی جامعه‌شناسی دارد. اینکه انسان با دانسته‌ها و اعتقاداتش

انس دارد و روان‌شناسی تغییر می‌گوید: انسان در مقابل ضد دانسته‌ها، گارد می‌گیرد و مقابله می‌کند، سواى بحث شقاوت ازلی که ما بدان معتقدیم، نشان می‌دهد که راه بحث معارف برای استیصار مردم، پیچیده است و باید جهات روان‌شناسی و جامعه‌شناسی را نیز لحاظ نمود. انسان فطرتاً بر توحید آفریده شده و حقیقت را دوست دارد؛ ولی محیط تولد و زندگی و بستر خانواده و افکار والدین و خویشان و اقوام موجب می‌شود، نسبت به یک عقیده، حالت تحجر پیدا کند. اولین شرط حقیقت‌طلبی این است که انسان خود را حق نپندارد و در مرحله بعد که به دنبال حق رفت یا حق را به وی نمایانند، اگر دید حق بر خلاف اعتقاداتش است، از اعتقاداتش دست بکشد. بحث‌های علم کلام اگر با شرایط مناسب و به‌دور از غوغا برگزار شود، می‌تواند منجر به حق‌گرایی مخالفان شود و به‌خاطر همین، عامه به‌ویژه حنابله و وهابیان از بحث کلامی به‌شدت فراری‌اند؛ زیرا در محیط گفت‌وگومحور، مجال برای شناخت حق و حقیقت مهیا‌تر است.

یک فکر غلط وجود دارد که می‌گوید: نباید به بحث‌های مذهبی دامن زد؛ درحالی‌که ارزش انسان به اعتقاداتش است و بحث و گفت‌وگو و مناظره در محیطی علمی و دوستانه، می‌تواند باعث کاهش اختلافات و استحکام روابط و همگرایی شود. دانش کلام، یک دانش مفید است و تحلیل واقعه غدير برای اثبات حقانیت ما، بخشی از علم کلام است؛ اما وقتی مشاهده می‌کنیم، عامه از غدير فرار می‌کنند، باید با رویکردی هم‌مردار و رآفت‌گونه، سعی کنیم چیزی را که با داشته‌های انس گرفته آنان در تضاد است، با لحن و بیانی دیگر بدان‌ها منتقل کنیم.

از شیخ محمدتقی قمی مؤسس دارالتقريب مصر نقل است که اگر اسم کتاب الغدير علامه امینی علیه السلام حجة‌الدواع می‌بود، نفوذ و تأثیر بیشتری در میان جوامع عامه داشت. یا ما اگر بدون فراموش کردن هویت استقلالی غدير که بدان اشاره کردم، از هویت‌های انضمامی آن، مثل لزوم تبعیت از آل‌رسول علیه السلام استفاده کنیم، به‌همان هدف غدير(که تبلیغ ولایت است)، نائل خواهیم گشت. مثلاً می‌توانیم جهت مرجعیت علمی اهل‌بیت علیه السلام را که آیت‌الله‌العظمی بروجردی علیه السلام بدان تأکید داشت، برجسته کنیم؛ چون در ماجرای غدير بحث ولایت همه دوازده امام معصوم علیه السلام مطرح بوده است؛ لذا بدون اینکه جهت هویتی خلافت و وصایت و ولایت این دوازده نور پاک را به حاشیه ببریم یا فراموش کنیم، می‌توانیم از عنصر ضمیمه‌ای لزوم تبعیت علمی با همان مرجعیت علمی برای تبلیغ عید ولایت استفاده نماییم و ناگاهان را آگاه کنیم. این در واقع همان سبک دعوت به راه خدا با استفاده از حکمت یا موعظه حسنه یا جدال احسن خواهد بود. چنانکه در سوره نحل فرموده است: «اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ.» **ه استادا! اشاره داشتید که در غدير فقط ولایت امام علی علیه السلام مطرح نبوده؛ بلکه ولایت دوازده امام نیز مطرح است. به‌عنوان حسن ختام گفت‌وگو، این بحث را مقداری بیشتر توضیح دهید.**

● غدير، علوی‌الحدوث و مهدوی‌الخاتمه است یا به‌تعبیر دیگر علوی‌التسمیه و مهدوی‌المعناس. اشتباهی که برخی محققان غرب و شرق، از جمله اتان کلبرگ، مرتکب شده‌اند، این است که می‌گویند: تکوین مذهب شیعه دوازده امامی، به صدر اسلام بر نمی‌گردد. حال آنکه علاوه بر وجود شیعیان علوی در زمان رسول‌خداﷺ که بقیه مذاهب فاقد این مزیت‌اند و بعدها ساخته شده‌اند، ما شاهد این هستیم که این تشیع علوی صدر اسلام، از نوع دوازده امامی بوده است و رسول‌خداﷺ بارها به اسامی دوازده امام اشاره داشته‌اند که یکی از آن موارد، در ماجرای غديرخـم بوده است. لذا ولایت ائمه اهل‌بیت علیه السلام یک امتداد ابدی دارد و ما وظیفه داریم که هویت اسلام شیعی را در مراسمی چون غدير که هویت ماست، نه فقط با عنوان عید ولایت علوی که با عنوان عید ولایت اهل بیت علیه السلام گرامی بداریم. امتداد بخشیدن به این واقعه را که به‌عنوان اكمال دين و اتمام نعمت بوده، باید اصلی‌ترین وظیفه شیعیان بدانیم و این سخنی برگرفته از مبانی دینی و مذهبی ماست.